

مطالعه انتقادی مؤلفه‌های «خودشیفتگی» و «درون‌گرایی» در نظریه جمع عقلانیت و معنویت

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

محمدجواد فرج‌نژاد،^۱ رضا رستمی^۲

چکیده

هدف: هدف اصلی از انجام این تحقیق، مطالعه انتقادی خودشیفتگی و درون‌گرایی انسان معنوی در نظریه «جمع عقلانیت و معنویت» بود. **روش:** روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و استنادی می‌باشد. در این تحقیق، با تأکید بر مبانی حکمت صدرایی و آموزه‌های و حیانی اسلام، مؤلفه‌های خودشیفتگی و درون‌گرایی ارزیابی شده است. **یافته‌ها:** مهم‌ترین نقدهای وارد بر مؤلفه‌های درون‌گرایی و خودشیفتگی عبارتند از: عدم امکان عرضه الگوی معنوی، فراموشی نقش نهادها و ساختارها در زندگی، از خودبیگانگی انسان معنوی خودشیفته و خودخواهی معنوی. **نتیجه‌گیری:** این نظریه با پذیرفتن مبانی دنیای مدرن، ویژگی‌های خاصی را برای مسیر معنویت‌گرایی برمی‌شمارد. «خودشیفتگی» و «درون‌گرایی» انسان معنوی از جمله این ویژگی‌ها می‌باشند. این مؤلفه‌ها در حقیقت پیامد و لازمه‌ی مبنای «فردگرایی» معنویت‌اند. انسان معنوی با تفرّد خود، به دنبال درون‌گرایی حداکثری و ابراز خود به دلیل خودشیفتگی است. در نتیجه، این دو مؤلفه، نظریه عقلانیت و معنویت را با چالش جدی مواجه می‌کنند.

واژگان کلیدی: عقلانیت، معنویت، معنویت‌گرایی، فردگرایی، خودشیفتگی، درون‌گرایی.

♦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

۱. دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران و مدرس گروه معارف دانشگاهها/نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، بین کوچه ۴ و ۶، دانشگاه معارف اسلامی، اتاق ۲۰۱، تلفن و نمابر: ۰۲۵۳۲۱۱۰۶۲۲، تلفن همراه: ۰۹۱۳۷۷۶۰۳۹۸، ایمیل: jasemani@chmail.ir

۲. دانش‌آموخته سطح چهار، حوزه علمیه قم، ایران.

الف) مقدمه

نظریه «جمع عقلانیت و معنویت» توسط مصطفی ملکیان با هدف کم کردن درد و رنج انسان مطرح شده است. رویکرد معنویت‌گرای ملکیان را می‌توان بومی‌شده معنویت‌گرایی جهانی دانست که در بسیاری از مبانی و اصول با رویکرد جهانی دارای وجوه اشتراک است. ملکیان در این نظریه، جمع بین عقلانیت و معنویت را ضرورت و نیاز امروز بومی‌شمارد که عدم تحقق آن به قیمت به محاق رفتن تمدن است (ملکیان، ۱۳۸۴/الف: ۲۶۹، ۲۸۹) و آشکارا بر این باور است که اگر راهی به رهایی باشد، آن راه جز در جمع و تلفیق عقلانیت و معنویت نیست (همو، ۱۳۸۱/ب: ۷). مدعای پروژه عقلانیت و معنویت این است که جمع بین این دو، برطرف‌کننده رنج‌های بشر می‌باشد. وی عدم جمع این دو مقوله را علت اساسی دردها و رنج‌های بشری می‌داند. (همو، ۱۳۹۲: ۵۳)

به نظر او، اهمیت و ضرورت جمع بین عقلانیت و معنویت و فدا نشدن هیچ یک برای دیگری، در رسیدن انسان به زندگی پاک و حیات طیبه است (همو، ۱۳۸۱/الف: ۲۲۹). وی تأکید دارد که «نه دل‌نگران ستم، نه دل‌نگران تجدد، نه دل‌نگران تمدن، نه دل‌نگران فرهنگ و نه دل‌نگران هیچ امر انتزاعی دیگری از این قبیل! من فقط دل‌نگران انسان‌های گوشت و خون داری هستم که می‌آیند، رنج می‌برند و می‌روند». (همو، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

در این نظریه، عقلانیت به عنوان وجه مشترک بین همه انسانها (همو، ۱۳۹۱/الف: ۲۳)، مهم‌ترین مؤلفه و مادر معنویت است. این رابطه، رابطه‌ای دوسویه یا دیالکتیکی است؛ به نحوی که این دو لازم‌الزموم یکدیگرند. این مطلب به گونه‌ای است که قدم نهادن در مسیر معنویت، انسان را به عقلانیت و استدلال‌گرایی می‌کشاند و در پرتو این عقلانیت، معنویت حاصل می‌شود (همو، ۱۳۹۲: ۶-۷). عقلانیت مد نظر، همان عقلانیت خودبنیاد یا عقل استدلال‌گر است (همو، ۱۳۸۱/ب: ۳۷۲). معنویت نیز به معنای فهم جدید سازگار با مدرنیته است؛ فهمی متناسب با دنیای جدید مدرن و همراه با نیاز انسان مدرن امروزی (همو، ۱۳۸۴/الف: ۳۷، ۲۷۳). ملکیان، انسان معنوی را همان انسان اخلاقی مد نظر خود معرفی می‌کند. انسان معنوی که مطلوب‌های روان‌شناختی مانند آرامش، شادی و رضایت در او محقق شده است. (همو، ۱۳۸۹/ب: ۲۷۷)

به گفته ملکیان، نظریه جمع عقلانیت و معنویت دارای مبانی و انگاره‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی خاصی است (همو، ۱۳۸۴/الف: ۲۹۲). در این میان، مبانی انسان‌شناختی نظریه وی از اهمیت جدی برخوردار است؛ زیرا اندیشه‌های معنویت‌گرایانه و نیز عقلانیت مد نظر ملکیان، ریشه انسان‌شناختی دارد. ملکیان معتقد است که انسان امروزی کم و بیش

مدرن است و راه فراری از جهانی شدن مدرنیته وجود ندارد. انسان مدرن، انسان جدیدی است که نیازمند دینی متناسب با نیازهای دوران مدرن است. قوام مدرنیته به عقلانیت خودبنیاد آن است و تجدد، نتیجه عملی عقلانیت خودبنیاد می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی‌های مدرنیته و انسان مدرن، اومانیسیم و در نتیجه، عقل‌گرایی و استدلال‌گرایی، فردگرایی اومانستی و رنج‌گریزی عاطفه‌گراست (همو، ۱۳۸۲: ۱۶). در حقیقت؛ نقطه شروع تفکر معنوی ملکیان با قبول مبانی انسان‌شناختی دنیای مدرن جدید رقم می‌خورد. طبعاً هر یک از این مبانی، لوازم و پیامدهایی را به دنبال خود دارند.

این تحقیق درصدد بازخوانی انتقادی «درون‌گرایی» و «خودشیفتگی» انسان معنوی مدّ نظر ملکیان است. با توجه به اینکه این دو ویژگی، ریشه در مبانی فرد‌گرایانه نظریه عقلانیت و معنویت دارند؛ ابتدا فرد‌گرایی در نظریه ملکیان مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس این دو مؤلفه، بررسی و نقد می‌شوند. در این مقال، مبانی حکمت صدرایی و آموزه‌های وحیانی دین اسلام، پیش فرضهای پذیرفته‌شده نگارنده محسوب می‌شوند.

از جمله مهم‌ترین پژوهشهای انجام‌شده در این زمینه، عبارتند از: مقاله «زایشی ناخواسته، نقدی بر انسان‌شناسی نظریه عقلانیت و معنویت» (اکبریان، ۱۳۹۸)، مقاله «معنویت، روی آوردی تجربه‌ای، گوه‌رشناختی و مدرن به دین با یک سازه روان‌شناختی» (قربانی، ۱۳۸۳)، نیز کتابهای «معنویت در سبب مصرف» (حمیدیه، ۱۳۹۱)، «بحران معرفت، نقد عقلانیت و معنویت تجددگرا» (فناهی، ۱۳۹۴)، «معنویت‌گرایی جدید» (شاکرنژاد، ۱۳۹۷)، «معنویت و دین؛ بررسی استدلال‌های ناسازگارگرایان» (غفاری، ۱۳۹۷). بررسی‌های نویسنده نشان می‌دهد دو کتاب اخیر که فصلی مجزا را به بررسی ادله انسان‌شناختی معنویت‌گرایان جدید اختصاص داده‌اند، اما هیچ کدام به بررسی تفصیلی تک‌تک مؤلفه‌ها و مبانی انسان‌شناختی نظریه عقلانیت و معنویت و لوازم آن عنایت نداشته‌اند و صرفاً به توصیف و بیان مؤلفه‌های انسان‌شناسانه معنویت‌گرایی جدید توجه کرده‌اند. همچنین در کتاب معنویت‌گرایی جدید و معنویت در سبب مصرف، مبحث درون‌گرایی و خودشیفتگی به طور کلی مطالب قابل استفاده‌ای دارد. مقالات بیان شده نیز به نقد ویژگی خودشیفتگی و درون‌گرایی انسان معنوی مدّ نظر ملکیان پرداخته‌اند. بنابر این، از جمله امتیازات این مقاله آن است که مؤلفه‌های خودشیفتگی و درون‌گرایی، به عنوان لوازم فرد‌گرایی در نظریه جمع عقلانیت و معنویت ملکیان، بررسی و تحلیل انتقادی می‌شوند.

۱. تفرد در معنویت‌گرایی نوین

در معنای اصطلاحی، فردگرایی به دیدگاهی اطلاق می‌شود که فرد را واقعی‌تر، بنیادی‌تر و مقدم بر جامعه، نهادها و ساختارهای اجتماعی می‌داند. در مقابل فردگرایی، جمع‌گرایی یا کل‌گرایی قرار دارد. در دیدگاه جمع‌گرا، انسان با ماهیتی اجتماعی لحاظ می‌شود که حقوق آن در ضمن نهادهایی مانند خانواده، جامعه مدنی، ملت یا دولت مورد توجه قرار می‌گیرد (بیات، ۱۳۸۱: ۴۰۵). اما در نگاه فردگرایانه، فرد و خواسته‌های فرد بر همه چیز اولویت دارند. آنچه فرد خوب می‌داند، خوب است و آنچه می‌خواهد، مشروع است و در عمل به آن آزاد است. فرد بر جامعه، مقدم است و هر آنچه فرد بگوید و پسندد، همان محترم و مورد اعتماد است. (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۷۰-۶۹)

گفتمان یا رویکرد معنویت‌گرایی، همزمان با رشد فزاینده خود در دهه ۶۰ میلادی، به شدت متأثر از فضای جدید جهانی است. برخی معنویت‌گرایان با التزام به فردگرایی و با تأکید بر تفرد انسانی، معنویت را تجربه شخصی انسان معنوی می‌دانند. نفی ذات مشترک انسانی به علت تفرد انسانی و عدم امکان توصیه عمومی به سالکان طریق معنویت، از دیگر نظرات معنویت‌گرایان فردگراست: «تمام انسانها متفاوت‌اند و باید هر کاری که می‌توانند، انجام دهند تا متفاوت (شخصی) بمانند» (کوئلیو، ۱۳۸۵: ۱۷۰). از آنجا که سلوک معنوی و اصالت زندگی به فهم فرد انسانی وابسته است، لذا هیچ توصیه مشترکی به افراد انسانی نمی‌توان داشت و هر توصیه‌ای، دخالت در طرز زندگی دیگران و هویت‌های غیر اصیل است.

می‌توان گفت معنویت دوره مدرنیته، در حقیقت نوعی تجربه شخصی و احساس معنوی است که فرد انسانی و نه جمع انسانی، به عنوان هدف و غایت آن مد نظر است؛ معنویتی مساوق با تجربه‌های درونی و فردی. به گفته یکی از معنویت‌گرایان، «باید کاری کنیم تا ندای هدایت درونی را بشنویم و فشار دیگران را نادیده بگیریم... این رسالت برای ماست و لزومی ندارد تا برای کس دیگری معنا داشته باشد». (دایر، ۱۳۸۵: ۱۰۰)

۲. فردگرایی در نظریه جمع عقلانیت و معنویت

ملکیان نیز در جای‌جای نظریه عقلانیت و معنویت، بر لزوم فردگرایی انسان معنوی تأکید می‌ورزد و آن را رمز نجات انسان می‌داند (ملکیان، ۱۳۹۳: ب: ۲۲). وی بر اساس اومانیزم معرفتی مورد قبول خود، تأکید دارد که تفرد به معنای آن است که شخص بر اساس عقل و وجدان اخلاقی صرفاً خودش عمل کند و نه بر اساس ملاک‌های دیگر، هر چند که از نظرات و مشورتهای دیگران نیز استفاده می‌کند (همو، ۱۳۹۵: ب: ۱۴). فردگرایی از نظر ملکیان به معنای آن

است که همه چیز باید در خدمت فرد انسان باشد و واحد صاحب حق، فرد انسانی است و نه جامعه انسانی (همو، ۱۳۸۲: ۲۰). انسان، فرد است نه عضو! و باید فردیت‌اش شکوفا شود. اگر انسان عضو بدن بزرگی به نام جامعه باشد، گاهی باید طبق مصلحت جامعه، خود را فدا کند؛ چرا که گاه برای سالم ماندن بدن چاره‌ای از قطع عضو نیست. اما اگر انسان فرد باشد نه عضو، دیگر فدا شدن به این معنا برایش مفهومی ندارد؛ بلکه فردیت انسان باید شکوفا شود (همو، ۱۳۹۱/الف: ۲۵). تفرّد انسان و شکوفا شدن آن بدان معناست که نباید در جورچین هستی، شأن خاص خود را فراموش کنیم و به خاطر خنده‌های دیگران دست از آن برداریم و باید ارزش داوری دیگران را در خود به صفر برسانیم. (همو، ۱۳۹۴/الف: ۵۲)

همچنین وی رمز موفقیت انسان معنوی و اخلاقی را در فردگرایی او برمی‌شمارد. انسانی معنوی تر است که به فردیت خود بیشتر توجه کند و از درون خود شروع کند. اساساً از نظر ملکیان، جوهره معنویت، امری فردی و انسانی است. در فرایند معنویت، انسان فقط و فقط با فهم فردی خود به زندگی اصیل دست می‌یابد و معنوی می‌شود (همو، ۱۳۸۴/الف: ۷). ملکیان تأکید دارد که مخاطب تمامی معنویت‌گرایان، فرد بوده است، نه جامعه. اشتباه مصلحان اجتماعی و روشنفکرانی که قصد اصلاح داشته‌اند نیز فراموشی فرد انسانی و پرداختن به جمع و جامعه انسانی و نهادهای اجتماعی است. (همو، ۱۳۹۷/الف: ۷)

برابر بودن تمام انسانها، از دیگر نتایج تفرّد معنویت‌گرایی ملکیان است. برابری طلبی از ویژگی‌های مهم دنیای مدرن جدید و معنویت‌نویین است (همو، ۱۳۹۷/ج: ۱۰۹-۱۰۸). همچنین در این معنویت‌گرایی، فهم فردی از عالم و هستی، ملاک است و نه متافیزیکهای پذیرفته‌شده قبلی. در حقیقت؛ اتوریتته‌های قبلی با تفرّد انسان معنوی به هیچ وجه سرسازگاری ندارند و فقط فرد می‌فهمد و می‌یابد (همو، ۱۳۹۱/الف: ۲۴). نتیجه این مهم نیز نفی اشتباه و نفی نظام گناه و عقاب و کفر است. در معنویت‌گرایی مدّ نظر ملکیان، نوع ارتباط انسان با خدا، نوعی ارتباط شخصی، کاملاً درونی، بدون واسطه و مستقیم با جان جهان است و مؤمن و کافر بودن هم معنایی ندارند. (همو، ۱۳۹۵/الف: ۷-۹)

۳. درون‌گرایی، پیامد اول معنویت فردگرا

نظریه فردگرایی عقلانیت و معنویت، بر درون‌گرایی انسان معنوی تأکید زیادی دارد. ملکیان در مواردی تفرّد و درون‌گرایی را به یک معنا و مفهوم به کار برده است. وی بیان می‌دارد که ویژگی عمده انسان معنوی، در پرداختن به خود و درون خود است (ملکیان، ۱۳۹۷/ج: ۱۰۸) و آن را پیام مشترک تمامی ادیان و وظیفه آنها برمی‌شمارد (همو، ۱۳۸۵/ب: ۴۹-۴۸). وی به تبع

اگرستانسیالیست‌ها (همو، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۵) چهار ویژگی انسان معنوی را با محوریت خود/درون چنین برمی‌شمارد: ۱. انسان معنوی به دنبال شناخت خود است؛ ۲. انسان معنوی می‌خواهد خودش باشد؛ ۳. انسان معنوی می‌خواهد خودش باشد و ۴. انسان معنوی می‌خواهد خود را بهتر کند (همو، ۱۳۹۴/ب، ج ۱: ۲۰۶). از نظر ملکیان، پرداختن به خود و توجه به فردیت درونی در معنویت از هر چیزی مهم‌تر است. در نتیجه، مهم‌ترین مسئله انسان معنوی، پاسخ به سؤال «چه کنم؟» است و نه هیچ مسئله دیگری (همو، ۱۳۷۵: ۸۵). اساساً زیست اخلاقی و معنوی انسان، حاصل درون‌نگری و «تنهایی» برخاسته از فردیت انسان معنوی است. فردیت و تنهایی انسان معنوی به او فرصت می‌دهد تا چنان زندگی کند که بتواند تمام مسئولیت تک‌تک اعمال خود را بر عهده گیرد. (همو، ۱۳۷۹: ۱)

به دیگر سخن؛ ریشه تمامی مشکلات را باید درون فرد انسانی جستجو کرد. همچنین ریشه اصلاح جامعه و رفع مشکلات را باید در اصلاح فرد جستجو کرد. به گفته ملکیان، «مشکلات اساسی ما، درون خود ماست» (همو، ۱۳۸۵/ج: ۱). بنابر این، تحول درونی و ورزش‌های درونی انسان معنوی، متقدم بر تمامی کارهاست. هر فردی به عنوان فرد تنها، باید تلقی و رویکرد خود را در معنویت ارتقا دهد. البته اگر در سطح اجتماعی و جامعه نیز این کار انجام شود، مورد تأیید ملکیان است؛ اما مهم، تحول درونی فرد انسانی است. انسان معنوی برای اصلاح جهان باید خود را بشناسد و اصلاح کند. نشاط و پویایی درون، جهانی پویا و پر نشاط را نتیجه خواهد داد (همو، ۱۳۸۴/الف: ۲۷۴-۲۷۳)؛ وی در این زمینه می‌گوید: «اصلاح اجتماع را فراموش کنید! ما را از بهشت بیرون کرده‌اند. من فکر می‌کنم اگر این از بهشت رانده شدن یک معنای خوب داشته باشد، همین است؛ یعنی ما در دنیا، دیگر بهشتی (ایدئال) نخواهیم بود... من فکر می‌کنم بخشی از درد و رنجی که ما می‌بریم، به خاطر این است که می‌خواهیم جامعه را اصلاح کنیم... ما باید اخلاقی زندگی بکنیم. جامعه خود به خود به میزان اخلاقی بودن ما بهبود پیدا می‌کند... اما اگر هدف زندگی و عملتان را اصلاح اجتماعی قرار دادید، جز ناکامی چیزی نمی‌چشید!» (همو، ۱۳۹۱/ب: ۱۶)

۴. خودشیفتگی، پیامد دوم معنویت فردگرا

خودشیفتگی و در نتیجه خودابرازگری، یکی دیگر از لوازم و پیامدهای تفرّد معنویت‌گرایی جدید است. خودشیفتگی یا نارسیم، به معنای تکیه بر خودانگاشت‌های درونی است. خودشیفتگی دو ویژگی را در فرد ایجاد می‌کند: ۱. اصرار افراطی بر خودتحقق‌بخشی و ابراز

خویشتن، ۲. سطحی شدن خواسته‌ها و ابتدال در مطالبات. نتیجه خودشیفتگی انسان، ابرفردی‌سازی و احساس‌گرایی سطحی انسان است. (حمیده، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۷۶)

معنویت راهی برای خودتحقق‌بخشی با تصدیق درون عملاً در خدمت دنیای فردی انسانها قرار می‌گیرد؛ به طوری که انسان مدرن با هر سلیقه‌ای خود را معنوی می‌داند. معنویتی که می‌تواند با مصرف برخی مفاهیم دینی بر اساس سلايق شخصی، معنویت را در حد سرگرمی و دلخوشی فردی و امری مربوط به حوزه اوقات فراغت تبدیل کند. برخی نویسندگان چنین حالتی را «پاپکورنیزاسیون» کردن دین و معنویت (کالایی شدن و تفریحانه شدن آن) نامیده‌اند. (نک: همان: ۳۰۰)

ملکیان در نظریه معنویت‌گرایی خود، به اغلب لوازم خودشیفتگی معنوی اشاره می‌کند. چهار پیامد مهم خودشیفتگی عبارتند از: احساس نیاز به موفقیت و آرامش فردی و بهبود زندگی، توجه زیاد به بدن، تأکید بر آزادی انتخاب و حق انتخابهای نامحدود و مسرت‌جویی و لذت‌طلبی (همان: ۱۷۸-۱۷۷). هرچند در معنویت‌گرایی روشنفکری، توجه زیاد به بدن دیده نمی‌شود؛ اما سه مورد دیگر قابل مشاهده‌اند. معنویت مطرح‌شده توسط ملکیان، هدفی جز ایجاد رضایت باطن و آرامش فرد انسانی ندارد. معنویت رویکردی است که نتیجه آن، رضایت باطن معرفی می‌شود (ملکیان، ۱۳۸۴/ج: ۳). در نتیجه، نظریه عقلانیت و معنویت تأکید دارد که باید نیمه روشن درون خود را شکوفا و تقویت کرد و این آرامش را از درون در خود ایجاد کرد (همو، ۱۳۹۴/الف: ۵۴-۵۳). ملکیان، خودشکوفایی را به شدت مورد توجه دارد و ذاتاً آن را امری پسندیده و مهم تلقی می‌کند. وی یکی از رمزهای موفقیت جوامع غربی را خودشکوفایی آنان می‌داند. (همو، ۱۳۹۶/الف: ۷)

قابل توجه است که بیان شد ملکیان تأکید زیادی بر عقلانیت نیز دارد و قدم نهادن در مسیر معنویت را، قدم نهادن در مسیر عقلانیت و استدلال‌گرایی می‌داند و معنویت را حاصل عقلانیت برمی‌شمارد (همو، ۱۳۹۲: ۷-۶). در عین حال نیز عقلانیت مد نظر وی الزاماً نفی خودشیفتگی نمی‌کند و می‌تواند به خودشیفتگی منتهی شود؛ زیرا عقلانیت مد نظر وی همان عقلانیت خودبنیاد یا عقل استدلال‌گر است (همو، ۱۳۸۱/ب: ۳۷۲) و ملاک این عقلانیت نیز آن است که در مقام نظر (دل‌بستگی) و عمل (پایبندی) به یک گزاره، در شواهد و دلایل آن تناسب وجود داشته باشد (همو، ۱۳۸۴/الف: ۳۹۶). این عقلانیت فرادینی است و متأثر از امور دینی نیست. در عین حال، این عقلانیت می‌تواند شخصی و متعلق به فرهنگ و تاریخ خاصی باشد؛ به طوری عقلانیت بر اساس اینکه در چه جامعه‌ای و چه فرهنگی شکل بگیرد،

متفاوت خواهد بود. در نتیجه، ممکن است امری در زمانی برای شخصی خاص، متعلقانه باشد و برای فردی دیگر در فرهنگی دیگر یا برهه‌ای دیگر متعلقانه نباشد (همو، ۱۳۸۱/ب: ۲۷۵، ۴۲۱). به دیگر سخن؛ عقلانیت مدّ نظر ملکیان، وابسته به شخص و ذهن خاص وی است. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که در نحوی از استدلال‌گرایی، فردگرایی و لوازم آن از جمله خودشیفتگی نیز استدلالی و عقلانی شوند.

نکته مهم آن است که روی دیگر خودشکوفایی و ادامه شخصی و فردی آن را می‌توان در فرهنگ خودشیفتگی دید. انسان معنوی مدّ نظر ملکیان، با خودشکوفایی خود و عمل بر مبنای تشخیص فردی و روانی خود، به صورت تدریجی به دنبال همان خودشیفتگی می‌رود. این مبحث با توجه به لذت طلب بودن انسان معنوی مدرن، وجه کاملی به خود پیدا می‌کند. تأکید زیاد ملکیان بر اصالت زندگی مبتنی بر فهم خود و آنچه صرافت طبع فرد آن را اقتضا می‌کند، از دیگر اشارات این بحث است. بحث زیاد ملکیان بر نقش تخیل در موفقیت در زندگی نیز از همین باب قابل پیگیری است. (همو، ۱۳۹۷/ب: ۱)

هرچند ملکیان به صراحت بر بحث خودشیفتگی تأکید نمی‌کنند؛ اما نتیجه و لازمه معنویت‌گرایی او و تأکید زیاد وی بر انسان‌محوری و فردگرا بودن معنویت، در نهایت، معنویت مدّ نظرش را به سمت و سوی «خودشیفتگی» و «خودبودگی» می‌برد. می‌توان دلیل عدم تصریح ملکیان بر خودشیفتگی را در برخی از نقدهای وی به بعضی از مؤلفه‌های مدرنیته دانست؛ اما در یک نگاه کلی، وی مدرنیته را اجتناب‌ناپذیر می‌داند و مؤلفه‌های اصلی آن را قبول کرده است (همو، ۱۳۸۴/ب: ۷۱). برخی محققان نیز به وجود پیامدها و مؤلفه‌های معنویت‌گرایی نوین در نظریه معنویت‌گرایی ملکیان اشاره دارند. این محققان به طور خاص ناواقع‌گرایی معرفتی و خودشیفتگی را تأکید کرده‌اند. (نک: اکبریان، ۱۳۹۸: ۱۳۳)

در حقیقت؛ ملکیان لوازم، پیامدها و نشانه‌های خودشیفتگی را در معنویت خود پذیرفته است و انسان معنوی تصویر شده او، سطحی از خودشیفتگی را دارد. دقت به این نکته مهم است که اساساً ملکیان، معنویت خود را با تلقی و نگاه انسان مدرن جدید به دین و زندگی آغاز کرد؛ انسان مدرنی که به دنبال معنویتی متناسب با زندگی و مؤلفه‌های مدرنیته است (ملکیان، ۱۳۸۵/الف: ۴۵-۵۲). بی‌شک در امتداد خداانگاری انسان مدرن و فردی‌سازی معنویت، خودشیفتگی و خودتحقق‌بخشی از طریق فهم درونی و عواطف شخصی به ارمغان خواهد آمد.

ب) نقد درون‌گرایی مبتنی بر نظریه جمع عقلانیت و معنویت

قبل از ورود به نقدها؛ توجه به این نکته لازم است که ملکیان درون‌گرایی و فرد‌گرایی را به مثابه یکدیگر به کار می‌برد. طبعاً تمامی نقدهای فرد‌گرایی در بحث درون‌گرایی نیز مطرح‌اند. در ادامه با توجه به اهمیت این بحث و لازم و ملزوم بودن این دو مفهوم، اشکالات خاص بحث درون‌گرایی مطرح می‌شود. برخی از نقدها جنبه مبنایی و برخی نیز جنبه روبنایی دارند.

۱. درون‌گرایی متأثر از هندوئیسم

ملکیان عدم توجه مدرنیته به درون را یکی از نقایص جدی مدرنیته می‌داند. به نظر وی، مدرنیته از توجه به بیرون کلید خورده است. علوم تجربی نیز با همین زمینه به شدت رشد کردند؛ زیرا علوم تجربی بودند که راه شناخت، تغییر و پیش‌بینی آینده را برای انسان مدرن فراهم کردند. قدرت علوم تجربی در طول سالیانی به خوبی آزمایش شد و روش تجربی نشان داد که می‌تواند دست انسان را نسبت به تغییر بیرون باز و بازتر کند. اما در این میان، درون و درون‌نگری برای مدرنیته مفهومی نداشت و ندارد. ملکیان در همین زمینه و به گمان خود در راستای رفع این ایراد، به دنبال درون‌نگری معنوی است. تأکید زیاد ملکیان بر حل تمامی مشکلات بیرونی اعم از مشکلاتی که در خصوص ارتباط انسان با دیگر انسانهاست و نیز مشکلاتی که انسان با طبیعت و جهان دارد، از همین باب است (ملکیان، ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۱۵). به دیگر سخن؛ ملکیان به دنبال آن است که از تحول درون، زمینه‌ها و راه‌هایی برای تحول بیرون فراهم آورد و در نتیجه، تمام توجه وی به اصلاح درون است.

نکته مهم مورد اشکال آن است که درون‌نگری مد نظر ملکیان، درون‌نگری سکولار و مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد و معطوف به هدف (عقلانیت ابزاری) و بریده شده از مبدا عالی هستی‌بخش است. در این میان، آنچه مد نظر ملکیان است، درون‌نگری سکولار مد نظر عرفانهای تمدن هندی است. ملکیان در این زمینه به صراحت تأکید دارد که راه حل مشکلات انسان با خودش را باید در آیینهایی مثل دائو، بودا و هندو جستجو کرد. (همان: ۱۱۷)

در این بحث به نظر می‌رسد با توجه به تصریحات خود او، بحث درون‌گرایی و توجه افراطی وی به درون، منبعث از آیینهای هندی باشد. تأکیدات و شواهد آوردنهای فراوان ملکیان از آیین بودا، از نشانه‌های جدی این تأثیرپذیری است. در این بحث، اصل چنین تأثیرپذیری‌ای مورد نقد نیست؛ چه بسا فردی یا مکتبی در ارائه نظرات خود، متأثر از مکتب یا فردی دیگر باشد. آنچه مورد انتقاد است، نگاه شیفته‌وار و انحصاری وی به این آیینها و

نوعی دوری گزیدن عمدی از واقعیت‌های تاریخی است. به هر روی، به اعتراف محققان مختلف، اسلام و مسلمانان در برهه‌ای تاریخی، تجربه تمدنی داشته‌اند و حرف‌های زیادی برای گفتن دارند (نک: لوکاس، ۱۳۸۲؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱). ندیدن این واقعیت تاریخی و شیفتگی به تمدن‌های دیگر، بسی جای تعجب دارد!

شاید بتوان سرّ این رویگردانی ملکبان به آیین‌های هندی را علاوه بر جریان جهانی روآورده به ادیان هندی (الیاده، ۱۳۹۵: ۶۰) در رویگردانی وی از دین تاریخی دانست. ملکبان به دنبال معنویتی متناسب با تلقی و فهم انسان مدرن جدید از دین است. در این روند، جریان معنویت‌گرایی جدید از نیمه دوم قرن بیستم به دنبال ایجاد، ترویج و توسعه معنویت نوین خود است؛ معنویتی قیّم‌گریز، دنیاطلب، لذت‌طلب و مناسک‌گریز است. ملکبان نیز به علت زیست در بستر جامعه و محیط اسلامی ایرانی، رگه‌هایی از سنت‌های تمدنی اسلام و ایران را دارد و از طرفی دل به مدرنیته داده است و در جمع میان این دو، نظریه عقلانیت و معنویت را مطرح می‌کند. اما با توجه به اینکه کفه دلدادگی وی به مدرنیته و انسان جدید غربی سنگین‌تر است (ملکیان، ۱۳۸۹/الف: ۵۹-۵۸؛ دیبا، ۱۳۸۷: ۹۰)، نمی‌تواند برای مقبولات قبلی و ارتکازات ذهنی خود، مانند لزوم توجه به درون و اصلاح نفس، به ادیانی چون اسلام و مسیحیت مراجعه کند؛ زیرا آنها را در بحث مؤلفه‌های مدرنیته، مورد نقد جدی قرار داده است. از این رو، مدرنیته را می‌پذیرد، اما نقایص محتمل آن را در آیین‌های مناسک‌گریز و سیال‌تری مانند آیین‌های تمدن هندی جستجو می‌کند و معنویت‌گرایی خود را بر آنها پایه‌گذاری می‌کند (ملکیان، ۱۳۸۲: ۱۱۶-۱۱۵). در این صورت، به ظاهر، هم به مدرنیته پایبند بوده و هم ته‌زمینه‌های سنتی و بومی خود را حفظ کرده است. در نتیجه، معنویت‌گرایی وی ترکیبی از عرفان‌های هندی مسلک و مؤلفه‌های مدرنیته می‌شود. طبیعتاً نسخه بومی شده آن در ایران، مستنداتی از آیات و روایات و سنت‌های ایرانی و نیز مؤیداتی از اشعار مولوی و حافظ و حتی میراث عارفان اسلامی دارد.

۲. درون‌نگری برخاسته از خودآیینی

ملکیان در معنویت خود، به تبع جریان معنویت‌گرایی جدید، درون‌گرایی را تجویز و توصیه می‌کند. در عبارتهای مختلفی نیز آن را به ادیان و توصیه عمومی عارفان مستند می‌کند (ملکیان، ۱۳۹۴/ب، ج ۱: ۳۹۴). نکته مهم آن است که درون‌نگری معنویت‌گرایی جدید، درون‌گرایی مبتنی بر خودمختاری و خودآیینی انسان مدرن است، نه تنهایی مورد عارفان! در این مدل، درون‌گرایی به جای دین‌گرایی مطرح می‌شود و با رنگ باختن دین مناسکی، دین درونی و

ذهنی پررنگ می‌شود. حال آنکه آنچه در دین و کلمات عارفان مطرح است، درون‌گرایی است که مقدمه دینداری و خداشناسی می‌شود. به دیگر سخن؛ غایت درون‌گرایی دینی و عرفانی، رسیدن به غایتی والا و یافتن خداوند در درون خود است. خودشناسی و درون‌نگری دینی، به خودی خود هدف نیستند، بلکه راه رسیدن به معرفت الهی قلمداد می‌شوند: «من عرفه نفسه، فقد عرف ربه». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۸)

نتیجه درون‌گرایی ملکیان، تنهایی انسان و ستایش این تنهایی توسط وی است (ملکیان، ۱۳۷۹: ۸-۱۰). اما نتیجه درون‌گرایی دینی، یافتن انسان در ظل سایه الهی و رها شدن از تنهایی واقعی و ترس از آن است. «خود» وجود عارف نیز خودی است که عارف آن را مظهر اسمای الهی و تجلی‌دهنده آن می‌داند. عارف خود را در آئینه الهی می‌بیند و از طریق خود به دنبال فهم و دریافت الهی است؛ نه موجودی افکنده در عالم که هیچ آغاز و پایانی ندارد و خودش، باید با خود آیینی درون‌نگر، سلوک معنوی کند! به بیان ملکیان، عارف خود را وابسته، متصل و رقیقه حقیقت الهی می‌داند، نه مستقل و خودمختار معنوی. (همو، ۱۳۹۴/ب، ج: ۱: ۳۹۵)

اشتباه ملکیان در آن است که می‌خواهد با درون‌گرایی جدای از اتصال به مبدا حقیقی عالم و علت هستی‌بخش، باغ درون خود را آباد کند. وی به خوبی فهمیده است که «انسان مدرن نمی‌تواند با خودش تفریح کند؛ یعنی اینکه هر وقت به خودش رجوع می‌کند، از خودش بدش می‌آید» (همو، ۱۳۸۲: ۱۱۴)؛ لذا دواي آن را در درون‌گری مستقل از مبدا جستجو می‌کند؛ حال آنکه آبادی این باغ با وصل شدن به آب حیات جاری در عالم امکان‌پذیر است.

۳. تأکید افراطی بر درون، متناقض با مؤلفه‌های انسان جدید

تأکید افراطی و انحصاری ملکیان بر اصلاح درون به عنوان یگانه راه اصلاح تمام امور و عدم توجه وی به لزوم اصلاح ساختارها و نهادهای اجتماعی با دل‌بستگی و علاقه وی به مدرنیته و بنای او بر بیان و ترویج معنویتی همگام با دنیای مدرن، تناسب ندارد. نقطه شروع نظریه معنویت‌گرای عقلانیت و معنویت، مؤلفه‌های مدرنیته و لزوم همراهی و همگامی با دنیای مدرن و انسان جدید است (ملکیان، ۱۳۸۴/الف: ۲۶۹). بنابر توضیحات ملکیان نیز نگاه انسان جدید، به هماهنگ کردن و مطابق کردن بیرون با درون خود است و تأکید بر ساختن درون خود ندارد. به عبارتی دقیق‌تر؛ جوهره مدرنیته، خروج از درون‌نگری است (همو، ۱۳۸۲: ۲۳۹) و وجه غالب عقلانیت مدرن، معطوف به هدفی بیرونی است. همچنین مفهوم سوئزکتویسیم در مدرنیته، نحوه‌ای کنترل عالم بیرون و سلطه بر آن است نه کنترل و مهار عالم درون.

هرچند برخی محققان این نقیصه را برای مدرنیته پذیرفته‌اند و ترمیم عقل مدرن توسط امثال نظریات ملکیان را لازم و ضروری دانسته‌اند (همان: ۲۳۹)، اما باید توجه داشت که به گفته ملکیان، هدف معنویت‌گرایی او، ارائه معنویتی متناسب با انسان مدرن است (همو، ۱۳۸۴/الف: ۲۷۳). انسان مدرن توجهی بر درون ندارد؛ لذا معنویتی بدون توجه به درون می‌طلبد. اگر چنین است، چه اصراری بر تغییر درون است؟ مگر انسان مدرن، معنویتی مدرن نمی‌خواهد، چرا باید اینقدر تأکید بر مؤلفه‌ای داشت که مورد توجه مدرنیته نیست؟

بخشی از دلیل این مطلب را می‌توان در هویت سیال معنویت‌گرایی جدید جستجو کرد؛ هویتی که وجه جامع آن را می‌توان در روحیه گریزپایی، قیم‌گریزی، ساختارناپذیری مشخص و دین‌گریزی دید. به عبارتی؛ بیش از آنکه جنبه‌های ایجابی و اثباتی در معنویت‌گرایی جدید مورد تأکید باشد، جنبه‌های سلبی آن و فرار از راه‌های معنوی قبل مطرح نظر است. در نتیجه، نوع این معنویتها در مؤلفه‌های سلبی با یکدیگر اشتراک دارند و هر کسی از ظن خود، معنویت خاصی را با توجه به این مؤلفه‌های سلبی بیان کرده است. تعدد و فراوانی مدعیان معنویت با این نگاه، شاهد این مطلب است؛ معنویتی سیال و همه‌پسند که قابلیت انعطاف با هرگونه فکر و نظری دارد!

در مورد معنویت‌گرایی ملکیان نیز شاهد شروع معنویت وی از نقاط سلبی هستیم؛ به طوری که پایه و اساس معنویت‌گرایی وی، نقد تلقی از دین در نگاه سنتی آن است (همو، ۱۳۸۴/الف: ۲۶۹). ملکیان سالها مشغول نقد تلقی سنتی خود از دین و دینداری و بیان مؤلفه‌های دنیای مدرن بوده است. در نهایت، نسخه بومی‌شده معنویت‌گرایی جدید را متناسب با مردم مذهبی ایران ارائه داده است. پرواضح است که مردم ایران متأثر از آموزه‌های اسلامی و سنتهای عرفانی-اخلاقی خود، درون‌نگری و توجه به درون را مهم می‌دانند. ملکیان خود نیز در همین سنتها رشد یافته است. لذا در بیان معنویت‌گرایی خود، از طرفی دل‌مشغولی به مدرنیته دارد و از طرفی تحت تأثیر سنتهای جامعه خود است؛ لذا بر خلاف روند مدرنیته که توجهی به خود و درون انسان ندارد، وی به صورت افراطی توجه به درون را از تفرّد مدرن نتیجه می‌گیرد.

گفتنی است که بحث مهم این قسمت، مذمت ملکیان در موفقیت یا عدم موفقیت ترمیم عقل مدرن نیست، بلکه بحث در ذمّ سیال بودن هویت این معنویت‌گرایی و توجه ویژه به بومی شدن آن توسط ملکیان در ایران است؛ روندی که به دنبال حذف تمامی ادیان و

معنویت حقیقی، صحه گذاشتن بر تمامی تفکرات معنوی (حتی با وجود تناقض) و ایجاد دین معنوی نوین جهانی است.

۴. عدم امکان عرضه الگوی معنوی

آنچه ملکیان بر آن تأکید دارد، درون‌گرایی و عمل بر صرافت و خواسته شخصی و درونی است. مشکل کار آنجاست که در مسیر سلوک معنوی، انسانها با طبایع و سلیقه‌ها و رتبه‌های وجودی مختلفی وجود دارند. انسانها منحصر در چند فیلسوف یا دغدغه‌مند جدی کسب زندگی اصیل نیستند؛ بلکه با رتبه‌ها و فهم‌های عقلی و درونی مختلف‌اند. اضافه بر اینکه بسیاری از انسانها، درونی آشفته و غیر مهذب دارند و تاکنون اثری از تهذیب نفس و یا کف نفس در آنان دیده نشده است. چطور از این انسانها انتظار می‌رود که در مسیر سلوکی خود، بر اثر عدم تهذیب ابتدایی نفس خود، بتوانند عقلانیت، درونیات، خواسته‌ها و امیال خود را کنترل کنند و مسیر سلوک را چنان طی کنند که نه خود رنج بیشتری ببینند و نه به دیگران رنجی را اضافه کنند؟! به دیگر بیان؛ توصیه به درون‌گرایی، عمل بر طبق فهم شخصی و زندگی بر اساس صرافت طبع، درباره بسیاری از انسانها، رهن معنویت است نه رهنمای معنویت! در نتیجه، درون‌گرایی افراطی ملکیان، قابلیت توصیه و الگودهی عمومی ندارد. اینجاست که لزوم و ضرورت وجود استاد خبیر معنوی واضح و مشخص می‌شود.

۵. فراموشی نقش نهادها و ساختارها

بیان شد که ملکیان با تأکید بر فردگرایی، به تغییر عامل درونی و توجه به درون می‌رسد. انسان معنوی مد نظر وی برای تغییر بیرون و جهان اطراف خود، باید از درون شخصی خود آغاز کند (ملکیان، ۱۳۹۷/ج: ۱۰۸). ملکیان نهادهای اجتماعی و ساختارهای آن را واقعی و حقیقی نمی‌داند و در مورد تمام آنها، فرد فرد انسانی را مورد توجه خود قرار می‌دهد. وی به صراحت بیان می‌کند که اصلاح اجتماع را باید فراموش کرد (همو، ۱۳۹۱/ب: ۱۶) و بخشی از درد و رنج انسان، به علت اراده اصلاح جامعه است. راه حل نیز در اخلاقی زندگی کردن فردی و ساختن درون است (همو، ۱۳۷۱/ب: ۱۷-۱۵): «ما باید اخلاقی زندگی بکنیم. جامعه خود به خود به میزان اخلاقی بودن ما بهبود پیدا می‌کند». (همو، ۱۳۹۱/ب: ۱۶)

معنای این سخنان، نوعی تحویل و فروکاهش جامعه‌شناسی به روان‌شناسی فردگرا است. به دیگر بیان؛ در عالم واقع و در زندگی عینی، مگر می‌توان از ساختارها و نهادهای اجتماعی مغفول ماند؟ گاه برخی ساختارها و نهادها چنان سایه سنگینی بر زندگی و انتخابهای انسان می‌اندازند که صرف توجه به درون، هیچ چیزی را برای انسان نتیجه نمی‌دهد. دقت شود که

در بحث نظری صرف، شاید بتوان استدلالهایی به سود فردگرایی بیان کرد؛ اما عقل عملی انسان حکم می‌کند که در نظر نیز توجه به واقعیت‌های عینی زندگی داشته باشد. باید توجه داشت که ساختارهای اقتصادی یا سیاسی، خود فرهنگ‌ساز جامعه‌اند. برای مثال، ساختار اقتصادی می‌تواند به گونه‌ای باشد که رشوه‌خواری و دروغ را در جامعه و افراد انسانی ترویج دهد. ساختارهای سیاسی نیز به همین گونه‌اند. نوع نظام حاکم بر یک جامعه، جهت‌دهنده و راهبر نوع زندگی تک‌تک افراد جامعه خواهد بود. در حقیقت و با تأکید فراوانی می‌توان گفت نهادهای اجتماعی [و ساختارهای اجتماعی]، نقشه‌ها یا الگوهای ذهنی‌اند که قالبها و الگوهای رفتاری را شکل می‌دهند... مردمان یک جامعه در اثر مواجهه با نهادهای معین، ذهنیت‌های معینی پیدا می‌کنند و رفتارهای معینی را ناخودآگاه از خود بروز می‌دهند. (فرامرزقراملکی و ناسخیان، ۱۳۹۵: ۲۷۲-۲۷۱)

همچنین تمامی مصلحان اجتماعی و نیز تمامی ادیانی که دغدغه هدایت و راهبری انسان را دارند، به مسئله مهم ساختارهای اجتماعی و نهادهای حاکم بر اجتماع نظر دارند. نهادسازی پیامبران و مبارزه آنان با تسلط ساختاری فرعونیان در همین راستا تعریف می‌شود، و گرنه دلیلی بر درگیری آنها با حکومتها وجود ندارد. بنابر این، توجه زیاد ملکیان به تفرّد و درون انسان، نباید مانع از فهم و توجه به نقش بزرگ ساختارهای اجتماعی و نهادها و نظامهای اجتماعی باشد.

جالب توجه است که ملکیان نیز خود بر خلاف دغدغه صرفاً اصالت فرهنگی خود، در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری (سال ۱۳۹۲) به نفع یکی از نامزدهای ریاست جمهوری، سخنرانی‌ها و استدلالها کرد و حمایت خود را وظیفه‌ای اخلاقی دانست (ملکیان، ۱۳۹۶: ب/۵-۱). با توجه به اینکه شأن مدیریتی ریاست جمهوری، لزوماً و انحصاراً اصلاح فرهنگ نیست، دلیلی بر اخلاقی پنداشتن حمایت از نامزد ریاست جمهوری وجود ندارد. پرواضح است که ملکیان نیز هرچند در نظر بر اصلاح فرد و درون و عدم توجه به عاملهای بیرونی تأکید دارد، اما در واقع و عین درمی‌یابد که ساختارها و نهادها کاملاً بر زندگی انسانها مؤثر و جهت‌دهنده‌اند. از این رو، تأکید زیاد وی بر این نظریه، با زندگی جمعی انسان و عملکرد وی تناسب و تطابق ندارد. همچنین تأکیدات زیاد ملکیان بر عدالت اجتماعی (همو، ۱۳۸۴/الف: ۲۶۵-۲۶۴) نیز با همین مشکل روبه‌روست. اگر عدالت اجتماعی مهم است، پس تأکید افراطی وی بر فردگرایی و درون‌گرایی معنایی ندارد و اگر تفرّد و درون‌گرایی اهمیت دارد، به دنبال عدالت اجتماعی بودن اهمیتی ندارد!

ج) نقد خودشیفتگی مبتنی بر نظریه جمع عقلانیت و معنویت

۱. خودشیفتگی، سوبه تفریطی عقلانیت افراطی

در بررسی مسئله خودشیفتگی باید توجه داشت که این موضوع نوعی گرایش به ضد روشنگری است. در روشنگری، عقلانیت افراطی وجود داشت که صرفاً به مؤثریت، کارآمدی، محاسبه هزینه و فایده توجه می‌کرد. در این عقلانیت، امور ارزشی غیر کارکردی و غیر ابزاری مانند مهربانی، صداقت و زیبایی، اموری مزاحم و محل فرض می‌شدند. رویه دیگر این افراط، طغیان فلسفی علیه عقل روشنگری شد و به تفریط عقلانیت و روی آوردن به درون و نوعی مرجعیت درونی با چاشنی احساسات و امیال درونی (نه عقلانیت درونی و شخصی) انجامید. برای مثال، نیچه کمترین اعتقادی به ارزشهای روشنگری نداشت و چنان در این زمینه تفریط کرد که در زمینه فکری او کسانی چون هیتلر، موسولینی و استالین به وجود آمدند. بنابر این، در رویکرد خودشیفتگی انسان مدرن و به تبع آن، خودشیفتگی حاصل از معنویت نوین، نوعی واپس‌زدگی و تفریط نسبت به عقلانیت مدرن افراطی دیده می‌شود. (حمیده، ۱۳۹۱: ۳۷۹-۳۷۸، ۴۰۲)

۲. خودشیفتگی، حاصل تشدید تفرّد اومانستی

بیان شد که خودشیفتگی معنوی، متضمن اصرار افراطی بر خود و تحقق‌بخشی درونی خود است. در حقیقت؛ حاصل تشدید فردگرایی اومانستی در دوران مدرنیته، فرهنگ خودشیفتگی و نحوه‌ای از ابرفردیت است. در نتیجه، همان کاستی‌ها و ضعفهای مندرج در فردگرایی اومانستی در این بحث نیز مطرح است. خودشیفتگی را می‌توان اوج این تفرّد دید. فرد انسانی در روند تفرّد خود و در تقابلی با عقلانیت افراطی، به درونیات خود پناهنده می‌شود. اما این بار نه به عقلانیت درونی خود، بلکه با محوریت احساسات، امیال و خواسته‌های درونی خود، روند تفرّد و درونی‌سازی را طی می‌کند. در معنویت نوین و مدّ نظر ملکیان نیز توجه به درونیات و آنچه صرافت طبع نامیده می‌شود، به وضوح مشاهده می‌شود. اگر انسان معنوی، صرافت طبعش را در امیال و خواسته‌های خود دید، طبعاً به توصیه ملکیان به دنبال همانها خواهد رفت تا بتواند معنوی باشد و زندگی اصیل خود را حفظ کند. نتیجه این روند، رسیدن به خودشیفتگی معنوی است؛ نوعی خودشیفتگی که فرد از نظر اخلاقی، آن را بد هم نمی‌داند! هرچند در حقیقت خودخواهی باشد.

۳. از خودبیگانگی خودشیفتگی

بیان شد که خودشیفتگی، نوعی تمایل افراطی به خودتحقق‌بخشی و درون‌گرایی احساسی فرد‌گرایانه و ابراز خویشتن است. این تمایل افراطی، در واقع نشانه از خودبیگانگی عمیق انسان نوین محسوب می‌شود. بی‌ریشگی، فقدان هویت، تنهایی و انشقاق اجتماعی، از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته‌اند. تفرّد اومانیستی نیز مسئله را عمیق‌تر می‌کند و به گفته برخی نویسندگان، از خودبیگانگی انسان را نتیجه می‌دهد. انسان بی‌هویت مدرن، چاره‌ای ندارد جز آنکه در میان توده‌های عظیم و بی‌هویت انسانها، دست به خودابراز‌گرایی بزند. شاید در این میان بتواند با ارضای احساسات سطحی خود و فرار از افراط عقل‌گرایی، هویتی هر چند سیال و متغیر برای خود ایجاد کند (نوذری، ۱۳۷۹: ۱۴۳، ۲۶۷). به دیگر سخن؛ خودشیفتگی حاصل از افراط در فرد‌گرایی، پاسخی به گم‌شدن و از خودبیگانگی انسان مدرن است.

انسان معنوی نوین نیز در معنویت‌گرایی جدید، انسانی تنها و گمشده است. انسانی است که تنها در درون خود سیر می‌کند و در نتیجه، به علت آنکه سخت تحت تأثیر مدرنیته است، در تنهایی خود نیازمند بازیابی و بازسازی هویت معنوی خود است. نتیجه آنکه انسان معنوی نیز در مسیر این خودشیفتگی معنوی حرکت می‌کند و به دنبال آن می‌رود که با خودابراز‌گرایی معنوی، هویتی به اصطلاح معنوی برای خود فراهم سازد. در عمل نیز انسان خودش را با چاشنی احساسات درونی، به عنوان انسان معنوی ابراز می‌دهد.

۴. خودپرستی و خودخواهی معنوی در خودشیفتگی

بیان شد که ملکیان توصیه اکید بر استدلال‌پذیری و رهایی از بتهای درونی و بیرونی دارد. به نظر او آنچه مطلق شود، به نوعی بت شده است (ملکیان، ۱۳۸۹/ج: ۳۴۲-۳۴۱). حال تأکید افراطی وی بر درونی‌شدن و فرد‌گرایی معنوی، نتیجه‌ای ندارد جز مراتبی از خوشیفتگی و به عبارت بهتر؛ نتیجه‌ای ندارد جز مراتبی از خودپرستی و بت‌سازی درونی. این مهم را در کنار مؤلفه اینجایی و اکنونی بودن معنویت نیز می‌توان دید. معنویت مدّ نظر ملکیان، علاوه بر آنکه مبتنی بر درون و فرد انسانی است، به شدت سکولار و خودبسنده است.

از طرفی، انسان معنوی جدید نیز تحت تأثیر و سلطه مؤلفه‌های دنیای مدرن قرار دارد و بنای ملکیان، ساخت معنوی متناسب با انسان مدرن جدید است. در نتیجه، فرهنگ مصرفی انسان نوین، معنویت او را هم فایده‌گرا و کارکردگرا می‌کند. نتیجه ترکیب موارد مذکور، خودشیفتگی معنوی در جهت برآورده کردن امیال و اراده‌های درونی فرد است. در حقیقت؛

درون فرد به صورت افراطی، بت بزرگ او می‌شود و خودخواهی و خودپرستی فرد در مسیر با عنوان زیبای معنویت رنگ و لعاب اخلاقی می‌گیرد!

در این حال، انسان معنوی با توجیه اینکه به دنبال صرافت طبع خود و اصالت زندگی معنوی است، تمامی تمایلات و نفسانیات خود را ابراز می‌کند و در تفرّد افراطی‌اش، تمامی خودخواهی‌ها و خودپرستی‌هایش را بروز می‌دهد؛ معنویتی برای بالا بردن سطح رفاه و لذت‌طلبی بیشتر انسان معنوی. در نتیجه، معنویت تابع خوشایندها و بدایندهای افراد می‌شود. ملکیان در این باره می‌گویند: «هر کسی باید به خودش رجوع کند تا بداند واقعاً چه چیزی فریاد دلش است». (همو، ۱۳۹۸: ۱۱)

در نتیجه، این معنویت به آسانی وارد بازار عرضه و تقاضای متأثر از نظام سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی افراطی می‌شود. خوب در این روند، همان خوشایندهای شخصی و خودخواهانه افراد است و بد در این مسیر، همان بدایندهای خودخواهانه افراد قلمداد می‌شود. رفاه‌جویی، مسرت‌جویی، انتخابگری دائمی و افراطی و بدن‌گرایی از عوارض خودپرستی و خودخواهی معنوی‌اند؛ عارضه‌ای که معنویت مدرن به خود گرفته است و نارسیم معنوی را به وجود آورده است. این معنویت؛ یعنی معنویت فرد‌گرای خودشیفته، عملاً در خودپرستی گرفتار است و طبعاً از دل آن، رضایت باطن و آرامش پایدار حاصل نخواهد شد!

د) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فرد‌گرایی به دیدگاهی اطلاق می‌شود که فرد را واقعی‌تر، بنیادی‌تر و مقدم بر جامعه، نهادها و ساختارهای اجتماعی می‌داند. در مقابل فرد‌گرایی، جریان جمع‌گرایی یا کل‌گرایی قرار دارد. در دیدگاه جمع‌گرا، انسان با ماهیتی اجتماعی لحاظ می‌شود که حقوق آن در ضمن نهادهایی مانند خانواده، جامعه مدنی، ملت یا دولت مورد توجه قرار می‌گیرد. در نگاه فرد‌گرا، فرد و خواسته‌های فرد بر همه چیز اولویت دارند. آنچه فرد، خوب می‌داند؛ خوب است و آنچه می‌خواهد، مشروع است و در عمل به آن آزاد است. فرد بر جامعه مقدم است و هر آنچه فرد بگوید و پسندد، همان محترم و مورد اعتماد است. در هرم قشربندی موجودات عالم، طبق نظر فرد‌گرایان، فرد انسانی و نه اجتماع انسانها، در رأس قرار می‌گیرد و غایت جهان محسوب می‌شود و جهان در خدمت فرد قرار می‌گیرد.

ملکیان را می‌توان یک فرد‌گرای کامل دانست. وی در نظریه عقلانیت و معنویت خود، بر لزوم فرد‌گرایی انسان معنوی تأکید می‌ورزد و آن را رمز نجات انسان می‌داند. از نظر او، نقطه قوت عرفان اسلامی نیز تفرّد مندرج در آن است. فرد‌گرایی از نظر ملکیان بدان معناست

که نه تنها همه چیز باید در خدمت انسان باشد، بلکه همه چیز باید در خدمت فرد انسان باشد. ملکیان بر اساس اومانیزم معرفتی مورد قبول خود تأکید دارد که تفرّد به معنای آن است که شخص بر اساس عقل و وجدان اخلاقی صرفاً خودش عمل کند و نه بر اساس ملاکهای دیگر، هر چند که از نظرات و مشورتهای دیگران نیز استفاده می‌کند. مهم‌ترین لوازم فردگرایی در معنویت را می‌توان درون‌گرایی و خودشیفتگی دانست.

فرهنگ خودشیفتگی را می‌توان به عنوان یکی از اصلی‌ترین پیامدهای فردی‌سازی اومانیزم دانست. نتیجه خودشیفتگی انسان، ابرفردی‌سازی انسان است. خودشیفتگی در معنویت‌گرایی نوین نیز به خوبی خود را نشان می‌دهد. به گفته برخی محققان، ارزش اصلی زندگی معنوی جدید، در خودابرازگری انسان معنوی است و در حقیقت، ماهیت اصلی معنویت‌گرایی جدید و غایت‌اعلای آن با تلفیقی از فردگرایی و خود الوهیتی است که با عنوان خودشیفتگی و خودابرازگرایی بیان می‌شود.

باید توجه داشت که هر چند ملکیان به صراحت بر بحث خودشیفتگی تأکید نمی‌کند، اما نتیجه و لازمه معنویت‌گرایی او و تأکید زیاد وی بر انسان‌محوری و فردگرا بودن معنویت، در نهایت معنویت مدّ نظرش را به سمت و سوی خودشیفتگی، خودبودگی و خودابرازگری می‌برد. به دیگر سخن؛ لوازم، پیامدها و نشانه‌های خودشیفتگی را در معنویت خود پذیرفته است و سطحی از خودشیفتگی را دارد. دقت به این نکته مهم است که اساساً ملکیان، معنویت خود را با تلقی و نگاه انسان مدرن جدید به دین و زندگی آغاز کرد. بی‌شک در امتداد خداانگاری انسان مدرن و فردی‌سازی معنویت، خودشیفتگی و خودتحقق‌بخشی از طریق فهم درونی و عواطف شخصی به ارمغان خواهد آمد. می‌توان دلیل عدم تصریح ملکیان را بر خودشیفتگی، در برخی از نقدهای وی به بعضی از مؤلفه‌های مدرنیته دانست؛ اما در یک نگاه کلی، وی مدرنیته را اجتناب‌ناپذیر می‌داند و مؤلفه‌های اصلی آن را قبول کرده است و خود را مدرن و متجدد می‌داند.

نظریه فردگرایی عقلانیت و معنویت بر درون‌گرایی انسان معنوی تأکید زیادی دارد. ملکیان در مواردی تفرّد و درون‌گرایی را به مثابه یکدیگر به کار برده است. وی بیان می‌دارد که ویژگی عمده انسان معنوی، در پرداختن به خود و درون خود است. از نظر ملکیان، پرداختن به خود و توجه به فردیت درونی در معنویت از هر چیزی مهم‌تر است. اساساً زیست اخلاقی و معنوی انسان، حاصل درون‌نگری و «تنهایی» برخاسته از فردیت انسان معنوی است. به دیگر سخن؛ ریشه تمامی مشکلات را باید درون فرد انسانی جستجو کرد. ریشه اصلاح جامعه و

مطالعه انتقادی مؤلفه‌های «خودشیفتگی» و «درون‌گرایی» ... ۷۳

رفع مشکلات را باید در اصلاح فرد جستجو کرد. مهم‌ترین نقدهای درون‌گرایی ملکیان، حول تناقضات و تنافی‌های آن با معنویت حقیقی است. خلاصه این نقدها در جدول ذیل بیان شده است.

نقدها	مبنای اصلی و لوازم آن	
<p>درون‌گرایی متأثر از هندوئیسم درون‌گرایی برخاسته از خودآیینی تأکید افراطی بر درون، متناقض با مؤلفه‌های انسان جدید عدم امکان عرضه الگوی معنوی و لزوم مراجعه به خیر معنوی فراموشی نقش نهادها و ساختارها</p>	<p>درون‌گرایی افراطی</p>	<p>مبنای انسان‌شناختی نظریه: فردگرایی</p>
<p>خودشیفتگی، سویه تفریطی عقلانیت افراطی خودشیفتگی، حاصل تشدید نفرد اومانستی خودپرستی و خودخواهی معنوی در خودشیفتگی از خودبیگانگی خودشیفتگی</p>	<p>خودشیفتگی</p>	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین (۱۳۷۱). **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**. ترجمه ابوالقاسم حالت و ابراهیم خلیلی. تهران: مطبوعات.
- الیاده، میرچاه (۱۳۹۵). **تاریخ اندیشه‌های دینی**. ترجمه مانی صالح علامه. تهران: نیلوفر.
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). **لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط**. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- اکبریان، سید محمد (۱۳۹۸). «**زایشی ناخواسته، نقدی بر انسان‌شناسی نظریه عقلائییت و معنویت**». معرفت فلسفی، ش ۶۴.
- بیات، عبدالرسول و همکاران (۱۳۸۱). **فرهنگ واژه‌ها**. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). **غررالحکم و دررالکلم**، ج ۱. قم: دارالکتب الاسلامی.
- حمیدیه، بهزاد (۱۳۹۱). **معنویت در سبب مصرف**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دایر، وین (۱۳۸۵). **معنویت رسالت نهایی شما**. ترجمه علی‌پناهی. تهران: آسیم.
- دیبا، حسین (۱۳۸۷). «**رویکرد روشنفکری دینی و حوزوی، انگیزه‌ها و چشم‌اندازها**». علوم سیاسی، سال یازدهم، ش ۴۴.
- شاکر نژاد، احمد (۱۳۹۷). **معنویت‌گرایی جدید**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فرامرز قراملکی، احد و علی اکبر ناسخیان (۱۳۹۵). **قدرت انگاره**. قم: مجنون.
- فنایی اشکوری، محمد (۱۳۸۴). **بحران معرفت، نقد عقلائییت و معنویت تجدیدگرا**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- قربانی، نیما (۱۳۸۳). «**معنویت، روی آوردی تجربه‌ای، گوهرشناختی و مدرن به دین با یک سازه روان‌شناختی**». مقالات و بررسی‌ها، ش ۸۳.
- غفاری، سید احمد (۱۳۹۷). **معنویت و دین، بررسی استدلال‌های ناسازگارگرایان**. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۵). **چون رود جاری باش، مجموعه حکایات**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان.
- لوکاس، هنری (۱۳۸۲). **تاریخ تمدن، از نوزایی تا سده ما**. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سخن.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۵/الف). **آشتی‌پذیری یا ناپذیری عقلائییت و معنویت**. تهران: مؤسسه سروش مولانا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۵). «**اگزستانسیالیسم، فلسفه عصیان و شورش**». تهران: وبلاگ نشر آثار استاد ملکیان.

مطالعه انتقادی مؤلفه‌های «خودشیفتگی» و «درون‌گرایی» ... ۷۵

- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۴/ب). «اولویت‌های پژوهشی در حوزه دین پژوهی». اخبار ادیان، ش ۱۳.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۷/الف). «بازگشت به معنویان جهان، زمین از دریچه آسمان». روزنامه اعتماد، ش ۴۲۴۵.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۴/ج). «بحران معنویت، مؤلفه‌های زندگی معنوی». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۶/ب). «بر کرانه حضور، از اخلاق شفقت تا دموکراسی». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۶/الف). «به کارگر همان قدر نیاز داریم که به مهندس، پزشک و فیلسوف!». روزنامه آتیه‌نو، ش ۱۰۰.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۵/ب). «بیست و شش باید و نباید شمس تبریزی». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵/ج). «تجدد ایرانی، نقدهای ملکیان به سیدجواد طباطبایی (۲)». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۹/ب). حدیث آرزومندی. تهران: نگاه معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۸). «خودشناسی». تهران: کانال تلگرامی استاد ملکیان.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۷/ب). «در جستجوی آرامش». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۴/ب). در رهگذر باد و نهبان لاله. تهران: نگاه معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۷/ج). «درسگفتار بررسی وضعیت فکر دینی در دنیای معاصر». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). درسگفتار تنهایی. تهران: مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۲). «درسگفتار سنت‌گرایی، تجدیدگرایی، پساتجددگرایی». تهران: سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۳). «درسگفتار مبانی فلسفی علوم انسانی». تهران: مؤسسه رخداد تازه و سایت صدانت.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱/ب). راهی به رهایی. تهران: نگاه معاصر.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۱/الف). «روح ناآرام یک روشنفکر». اندیشه پویا، سال اول، ش ۱.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱/الف). «زندگی اصیل و مطالبه دلیل». پژوهشنامه متین، ش ۱۶-۱۵.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۱/ب). «زندگی من». تهران: سایت صدانت.

- ملکيان، مصطفی (۱۳۸۵/الف). «سازگاری معنویت و مدرنیته». *بازتاب اندیشه*، ش ۷۷.
- ملکيان، مصطفی (۱۳۸۵/ب). «شالوده‌شکنی انفسی، درباره نواندیشی دینی و سنت». *خردنامه همشهری*، ش ۵.
- ملکيان، مصطفی (۱۳۸۹/الف). «عاطفه‌گرایی و جمع میان عقلانیت و معنویت». *آیین*، ش ۳۴-۳۵.
- ملکيان، مصطفی (۱۳۹۴/الف). «عطا و لقای عرفان اسلامی». *اندیشه اصلاح*، سال اول، ش ۱.
- ملکيان، مصطفی (۱۳۸۶). *مشتاقی و مهجوری*. تهران: نگاه معاصر.
- ملکيان، مصطفی (۱۳۹۲). «معنویت و عقلانیت». *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال نهم، ش ۲.
- ملکيان، مصطفی (۱۳۸۹/ج). *مهر ماندگار*. تهران: نگاه معاصر.
- ملکيان، مصطفی و همکاران (۱۳۸۴/الف). *سنت و سکولاریسم*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹). *صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته*. تهران: نقش جهان.
- Akbarian, Seyyed Mohammad (2019). "Unwanted birth, a critique on the anthropology of the theory of rationality and spirituality". *Philosophical knowledge*, No. 64.
- Arblaster, Anthony (1998). *Western liberalism, rise and fall*. Translated by: Abbas Mokhber. Tehran: Markaz.
- Bayat, Abdul Rasool & Others (2002). *Dictionary of Words*. Qom: Institute of Religious Thought and Culture.
- Coelho, Paulo (2006). *When the river flows, a collection of anecdotes*. Translated by: Arash Hejazi. Tehran: Karavan.
- Dayer, Vienna (2006). *The spirituality of your ultimate mission*. Translated by: Ali Ali Panahi. Tehran: Asim.
- Diba, Hossein (2008). "Religious and scholastic intellectual approach, motivations and prospects". *Political Sciences*, 11th year, No. 44.
- Eliadeh, Mirchah (2016). *History of Religious Thoughts*. Translated by: Mani Saleh Allameh. Tehran: Nilufar.
- Faramarz Qaramalki, Ahad & Ali Akbar Naskhian (2016). *Godrate Engareh*. Qom. Majnoon.
- Fanaie Ashkevari, Mohammad (2005). *Crisis of knowledge, criticism of rationality and modernist spirituality*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Ghaffari, Seyyed Ahmad (2018). *Spirituality and Religion, Examining the Arguments of Incompatibilists*. Tehran: Iran's Wisdom and Philosophy Research Institute.
- Ghorbani, Nima (2004). "Spirituality, an experiential, gemological and modern approach to religion with a psychological structure". *Essays and Reviews*, No. 83.

- Hamidieh, Behzad (2012). **Spirituality in the consumption basket**. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Ibn Athir, Abul Hasan Ezzeddin (1992). **The Great Complete History of Islam and Iran**. Translated by: Abul Qasim Halat and Ebrahim Khalili. Tehran: Matbooot.
- Lucas, Henry (2003). **History of Civilization, from Renaissance to our century**. Translated by: Abdul Hossein Azarang. Tehran: Sokhan.
- Malekian, Mustafa (2010). **Arzoomandi Hadith**. Tehran: negahemoaser.
- Malekian, Mostafa (2002). **A Way to Liberation**. Tehran: negahemoaser.
- Malekian, Mustafa (2017). **“Barkarane Hozur, from ethics of compassion to democracy”**. Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mustafa (2006). **“Compatibility of spirituality and modernity”**. *Reflection of Thought*, Vol. 77.
- Malekian, Mostafa (2013). **Discourse of traditionalism, modernism, postmodernism”**. Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mostafa (2018). **“Discourse study on the state of religious thought in the contemporary world”**. Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mustafa (2010). **“Emotionalism and the union between rationality and spirituality”**. *Ayin*, No. 34-35.
- Malekian, Mostafa (1996). **“Existentialism, Philosophy of Rebellion and Rebellion”**. Tehran: blog publishing the works of Ostad Malekian.
- Malekian, Mustafa (2002). **“Genuine life and the demand for reason”**. *Matin Research Journal*, No. 15-16.
- Malekian, Mustafa (2015). **“Gifts and Encounters of Islamic Mysticism”**. *Andisheh Eslah*, Year 1, Volume 1.
- Malekian, Mostafa (2018). **“In search of peace”**. Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mostafa (2015). **In the passage of the wind and the guardian of the tulip**. Tehran: negahemoaser.
- Malekian, Mustafa (2006). **“Iranian modernity, Malekian's criticisms of Seyyed Javad Tabatabai (2)”**. Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mostafa (2010). **Mehre Mandegar**. Tehran: negahemoaser.
- Malekian, Mostafa (2007). **Mushtaghi va Mahjuri**. Tehran: negahemoaser.
- Malekian, Mostafa (2012). **My life**. Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mostafa (2014). **“Philosophical Foundations of Humanities Course”**. Tehran: Rokhdad Tazeh Institute and Sedanet site.
- Malekian, Mustafa (2016). **Reconcilability or irreconcilability of rationality and spirituality**. Tehran: Soroush Molana Institute.
- Malekian, Mustafa (2005). **“Research priorities in the field of religious studies”**. *Akhbar Adian*, No. 13.
- Malekian, Mustafa (2018). **“Return to the spiritual people of the world, the earth through the window of the sky”**. *Etemad newspaper*, No. 4245.
- Malekian, Mostafa (2019). **“Self-knowledge”**. Tehran: Ostad Malekian Telegram channel.

- Malekian, Mustafa (2006). "**Shalode Shekani Anfosi, about new religious thinking and tradition**". *Kheradnameh Hamshahri*, No. 5.
- Malekian, Mustafa (2013). "**Spirituality and rationality**". *information of wisdom and knowledge*, ninth year, vol. 2.
- Malekian, Mostafa (2000). **Tanhaee (loneliness) speech course**. Tehran: Negahemoaser Research Institute.
- Malekian, Mostafa (2005). "**The Crisis of Spirituality, Components of Spiritual Life**". Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mustafa (2012). "**The Restless Soul of an Intellectual**". *Andishepouya Magazine*, Year 1, Vol. 1.
- Malekian, Mustafa & et al. (2005). **Tradition and Secularism**. Tehran: Serat Cultural Institute, Tehran.
- Malekian, Mustafa (2016). "**Twenty-six to do and not to do in Shams Tabrizi,s view**". Tehran: Sedanet site.
- Malekian, Mustafa (2017). "**We need workers as much as we need engineers, doctors, and philosophers!**". *Atiyeno newspaper*, No. 100.
- Nowzari, Hossein Ali (2000). **Modernity and Postmodernity Formulation**. Tehran: Naqsh Jahan.
- Shakernejad, Ahmad (2018). **New Spiritualism**. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Tamimi Amedi, Abdul Wahid bin Muhammad (1989). **Ghorar al-Hakim and Dorr al-Kalam**. Vol. 1. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.